



تجربه

عنايت الله ايوبي

من عنايت الله ايوبي هستم. در رشته برق الكترونيك در مقطع كارشناسي تحصيل كرده‌ام. نزديك به ۲/۵ سال در يك مركز مشاوره روان‌شناسي كار مي‌كردم. بعد از آن، در يك شركت مرتبط با رشته‌ام، در زمينه انرژی‌های تجدیدپذیر که درخواست نیروی کارآموز داشت، پذیرفته شدم. کمتر از نصف حقوق وزارت کاری هم حقوق می‌گرفتم، البته برای من که دانشجو بودم و ساعتی کار می‌کردم مناسب بود. بعد از حدودا شش ماه کسب تجربه مفید در این شرکت، شروع به فعالیت‌های دانشجویی و فرهنگی کردم. مدت کمی گذشت که تصمیم گرفتم ایده‌های خودم را اجرایی کنم. اولین ایده من در حیطه جمع‌سپاری مالی بود. (البته در آن زمان نمی‌دانستم که نام این پروژه چیست.) شروع به سنجیدن منابع و جست‌وجو برای سرمایه‌گذار و سایر موارد موردنیاز کردم. بعد از کمی تحقیق، متوجه‌ام این دست فعالیت‌ها که «استارت‌آپ» است شدم. بعد از چند ماه به این نتیجه رسیدیم که از این ایده نمی‌توانم کسب درآمد کنم. بنابراین این ایده را رها کردم. در یک استارت‌آپ هم با سه نفر از هم‌وطنانم در حوزه ابزارک‌های سلامت همکاری کردم که البته در یک رویداد آموزشی-رقابتی جزء تیم‌های برتر بودم. اما این تیم هم سرانجامی جز شکست خوردن نداشت. این ماجرا در نهایت به یک رویداد نوآوردگاه ارزش‌آفرینان افغانستان ختم شد. این رویداد در مهر ماه ۱۳۹۶ برگزار شد و ۱۴ تیم استارت‌آپی شرکت کردند و در نهایت چهار تیم دعوت به مذاکره با برخی شتاب‌دهنده‌ها شدند. اما هیچ‌کدام به نتیجه نرسیدند. اما خارج از جریان رویداد، چند تیم با جدیت تمام ادامه داده و فعال هستند، بعضی سرمایه شخصی خود را در پروژه‌شان قرار دادند و بعضی هم سرمایه‌گذار جذب کردند.

ما هم این فعالیت‌ها را برای گسترش فرهنگ کارآفرینی و استارت‌آپی بین جامعه علاقه‌مند افغان و با نام مجموعه کارآفرینی ارزش‌آفرینان افغانستان ادامه دادیم. در کنار این ماجرا در حوزه استارت‌آپ‌های کشاورزی با یکی از دوستان ایرانی مشغول به فعالیت هستم. اما در میان این ماجراها افغان بودن من در خیلی موارد من را دچار مشکل می‌کرد.

برای ثبت‌نام در دانشگاه به مدت دو ماه در اداره‌های مختلف تهران از شرق و غرب گرفته تا شمال و جنوب در رفت‌وآمد بودم. بعد از ثبت‌نام هم حدود دو ماه دیگر همین روند را طی کردم. بگذریم از ماجرای کارمندی که به صلاحدید خود قصد تاخیر یک ترمی در ورود دانشجویان افغان را داشت. در این مدت با مشکلات بسیاری دست‌وپنجه نرم کردم که بسیاری از آن‌ها جزء حقوق اولیه شهروندی بودند، مثل بیمه، استفاده از خدمات بانکی و... برای مثال، استفاده از خدمات بانکی. اواسط ماه رمضان گذشته به حدود ۱۰ شعبه بانک‌های مختلف مراجعه کردم که نتایجی و یا منت فراوان گفتند فقط برای شما، حساب باز می‌کنیم. اما از اینترنت بانک نمی‌توانید استفاده کنید... از آنجایی که داشتن و نداشتن این حساب بانکی برایم تفاوتی نداشت از خیر آن گذشتم.

مشکلات بسیار زیاد و ناشی از دیده‌نشدن این جامعه چند میلیونی به‌عنوان شهروند، وجود دارد. همین ازدیاد مشکلات از چند سال پیش باعث مهاجرت دوباره افغان‌ها از ایران به سمت اروپا شد و امروزه شاهد رشد مهاجرت افغانستانی‌ها از ایران به کشورهای دیگر هستیم. فراموش نکنیم که به گفته مسئولان امر، بیش از ۳/۵ میلیون افغان در ایران حضور دارند که خریدوفروش، مسکن، پوشاک، تراکنش‌های بانکی، کارآفرینی و اشتغال‌آفرینی بسیاری را به دنبال داشته‌اند و خروج این جمعیت به نابودی همه این فرصت‌ها خواهد انجامید. صرفا یک مورد از این همه را بیان می‌کنم؛ در صورتی که سه سال پیش ۱۲۰ هزار نفر از ایران خارج شده باشند و دست‌کم هر نفر با خود ۲۵ میلیون تومان از ایران خارج کرده باشند، ۳ هزار میلیارد تومان ارز از ایران خارج شده است و به دنبال آن، خانه‌هایی که از سکنه خالی شده، تراکنش‌های مالی که متوقف شده و در نهایت جای خالی یک چنین جمعیتی، قطع‌شدن درآمد بسیاری دیگر را در ایران در پی دارد.

نرخ ارز و خروج مهاجران از ایران

محمدمهدی جوانمردقصاب، رئیس میز افغانستان در سازمان توسعه تجارت، در گفت‌وگو با ایسنا گفت: «در ماه‌های گذشته و به دنبال افزایش نرخ ارز، شرایطی پیش آمده که اشتغال در ایران مانند سابق برای افغانستانی‌ها جذابیت ندارد زیرا پولی که آن‌ها می‌توانند برای خانواده خود در افغانستان بفرستند، نسبت به گذشته کاهش یافته است. با توجه به این موضوع، در موارد متعددی شاهد مهاجرت افغان‌های ساکن ایران هستیم و این افراد به صورت غیرقانونی به جای آمدن به ایران، به کشورهای اروپایی، ترکیه یا کشورهای عربی برای کار مهاجرت می‌کنند.»

۸۰ | کتینه نو



پرسه‌ای در اندیشه‌ها و نظریه‌ها

گفت‌وگوی «آتیه‌نو» با فرشید یزدانی، پژوهشگر و کارشناس تامین اجتماعی درباره چرایی و تاثیر خروج کار گران افغانستانی از ایران

جای خالی کار گران مهاجر



عباس شهریابی

روزنامه‌نگار

آمارهای رسمی حکایت از آن دارند که تا ۲۳ ژوئن ۲۰۱۸ (دوم تیر ۱۳۹۷)، ۳۴۸ هزار و ۵۰۶ مهاجر افغانستانی بدون مجوز از ایران به افغانستان بازگشتند. در ماه‌های آوریل و می به‌طور میانگین ۲۰ هزار مورد بازگشت

■ **در شرایطی که روند بازگرداندن رسمی مهاجران افغانستانی از ایران رو به تشدید بود، ناگهان سقوط ارزش ریال روند دیگری را آغاز کرد؛ خروج خودخواسته مهاجران. برای بررسی دقیق‌تر این پدیده، اجازه دهید نخست از تحلیل جایگاه نیروی کار افغانستانی در اقتصاد سیاسی ایران آغاز کنیم. این بخش از نیروی کار بیشتر در کدام بخش‌ها فعال اند؟ اهمیت این بخش‌ها در ساخت کلی اقتصاد کشور چگونه است؟**

قبل از این جریان‌های اخیر (گرانی دلار)، نزدیک به چهار میلیون مهاجر افغانستانی در ایران زندگی می‌کردند، بیشتر آن‌ها در حوزه کارهای یدی مشغول بودند، مثلا بخشی در مرغداری‌ها بودند، بخشی در فعالیت‌های ساختمانی و عمرانی کار می‌کردند یا در کارهای شهری حضور داشتند. طبق آماری که اعلام شده حدود ۴۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر از مهاجران، از ایران خارج شده‌اند، حالا یا به افغانستان بازگشتند یا وارد ترکیه و دیگر کشورهای همسایه شده‌اند.

اثر دیگر این نیروی کار این بود که چون ارزان و فاقد خواست‌های مشخص صنفی بود، به‌شدت به نفع منافع صاحبان سرمایه عمل می‌کرد. این نیروی کار ادعای درخواست بیمه نداشت، گرچه طبق قوانین جدید اداره کل اتباع خارجی سازمان تامین اجتماعی باید بیمه شوند و امکان پیگیری رسمی مشکلات صنفی را نداشت. در نتیجه به لحاظ کارکردی، نقش اندکی در اقتصاد کشور بازی می‌کرد و هزینه تمام‌شده برخی از کالاها و خدمات را کاهش می‌داد.

از نظر تاثیر اقتصادی نیز بخش ساخت‌وساز، که کارگران افغانستانی در آن فعال بودند، بخش محرک اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود. افت بخش ساخت‌وساز به دنبال کاهش شمار نیروی کار

گزارش شده است. تشدید روند بازگشت مهاجران با اوضاع نامساعد اقتصادی ایران از جمله کاهش ۳۰ درصدی ارزش ریال در برابر دلار آمریکا مرتبط است. مهاجران بازگشتی از ایران شامل هزاران زن مجرد، کودک بدون مجوز و افراد نیازمند به خدمات در مانی فوری می‌شود. در سه ماه اول سال جاری میلادی شمار افغان‌هایی که به ترکیه می‌رسند تا سه برابر افزایش یافته و به ۲۷ هزار نفر رسیده است.

آن، طبیعتا بر مجموعه اقتصاد ایران تأثیر منفی می‌گذارد.

■ **اشاره‌ای کردید به بحث غیرسیاسی بودن و بی‌مطالبه‌بودن نیروی کار افغانستانی. نگرش کارگران و فعالان کارگری ایرانی به جایگاه نیروی کار افغانستانی چگونه است؟**

به هر حال، بخشی از ماجرا این است که چون حضور نیروی کار افغانستانی منجر به کاهش هزینه نیروی کار می‌شود، در نتیجه نوعی نگاه منفی در میان بدنه کارگری وجود دارد. البته نمی‌خواهم این نگاه را تعمیم بدهم، اما به هر حال در این میان بخشی از نیروی کار ایرانی و وجود داشت و هنوز هم این نگاه وجود دارد که نیروی کار افغانستانی جا را برای نیروی کار خودی تنگ کرده است. اما بخش دیگری از ماجرا این است که چنین نگاهی آدرس غلط‌دادن است. سعی می‌شود با طرح این موضوع در واقع به نوعی ناکارآمدی مدیریت سرمایه‌ها پوشانده شود. اعتراض بدنه کارگری باعث می‌شد که مهاجران افغانستانی نیروی کارشان را باز هم ارزان‌تر بفروشند، زیرا زیر فشارهای مختلف کارفرما خطاب به کارگر افغانستانی هستند، که ما شما را با هزار مشکل نگه داشته‌ایم. در نتیجه، محدودیت‌ها برای نیروی کار افغانستانی بیشتر هم می‌شود.

■ **در مورد این اختلاف‌ها، هیچ تلاشی از سوی فعالان کارگری ایرانی برای نوعی هماهنگی بین نیروی کار ایرانی و مهاجر صورت نگرفته است؟**

از طرف نهادهای کارگری رسمی نه‌تنها در این زمینه تلاشی صورت نگرفته که گاه برخی نهادهای مدنی به این اختلافات هم دامن می‌زنند. مشکل عمده نیروی کار افغانستانی این است که معمولا

از نظر تاثیر اقتصادی بخش ساخت‌وساز، که کارگران افغانستانی در آن بخش فعال بودند، بخش محرک اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود. افت بخش ساخت‌وساز به دنبال کاهش شمار نیروی کار آن، طبیعتا بر مجموعه اقتصاد ایران تأثیر منفی می‌گذارد.



یکشنبه ● ۴ شهریور ۱۳۹۷ ● شماره صد و شصت‌وشش

A T I V E H N O

در مجموع بخشی از مهاجران افغانستانی به کشور خودو برخی دیگر به امید مهاجرت به اروپا به ترکیه می‌روند. با توجه به نقش کارگران افغانستانی در اقتصاد ایران، به‌ویژه در بخش‌های خاصی از آن، مثل صنعت ساخت‌وساز، این روند می‌تواند تاثیر چشمگیری داشته باشد. برای فهم دقیق زمینه‌ها و پیامدهای این پدیده، گفت‌وگویی ترتیب‌دادیم با فرشید یزدانی، پژوهشگر و کارشناس تامین اجتماعی.

هیچ مدافعی ندارد، نه به صورت فردی، نه جمعی. نه خودشان توان دفاع از خود دارند، نه نهادهای کارگری داخلی از آن‌ها حمایت می‌کنند. این نقص عمده‌ای در مناسبات اجتماعی و مناسبات بازار کار ماست.

■ **در مجموع، خروج نیروی کار افغانستانی از ایران چه تبعاتی برای فضای کسب‌وکار دارد؟ این تصور عمومی وجود دارد که نیروی کار مهاجر بخشی از فرصت‌های شغلی نیروی کار ایرانی را اشغال کرده‌اند، آیا خروج نیروی کار افغانستانی اساسا فضاهای اشتغالی جدیدی ایجاد می‌کند؟**

طبیعتا وقتی نیروی کار خارج می‌شود، باید نیروی کار جدید جایگزین آن شود. این روند تا حدی رخ می‌دهد. اما واقعیت این است که همان نیروی کار جدید هم باید به بخشی از شرایط قبلی تن بدهد، البته نه به همه آن شرایط. در مجموع خروج نیروی کار افغانستانی بازار کار ایران را دچار اختلال می‌کند. اما از منظر کلی، وقتی نیروی کار افغانستانی خارج می‌شود، نیروی کار جدید جایگزین آن می‌شود. علاوه بر این، خود این صنایع هم دچار بحران می‌شوند، بحرانی که تا حدی می‌تواند وجه ساختگی داشته باشد، یعنی قبلا در این صنایع سود زیادی برای صاحب سرمایه وجود داشت. اما الان ممکن است کمی از حاشیه سود کم شود و البته این در صورتی است که صاحبان سرمایه بخواهند به همان صورت پیشین به کار ادامه دهند. البته با توجه به عادت به سودهای بالا به نظر رسد صاحبان سرمایه گران‌ترکردن کالاها را بر حاشیه سود پایین‌تر ترجیح دهند و باید بیشتر انتظار افزایش قیمت را داشت.

■ **وضعیت نیروی کار افغانستانی از نظر بهره‌مندی از خدمات رفاهی و تامین اجتماعی چگونه است، در مجموع مهاجران چه جایگاهی در نظام خدمات رفاهی ایران دارند؟**

طبق ماده پنج قانون تامین اجتماعی اتباع خارجی باید تحت‌پوشش قرار بگیرند. از حدود چهار، پنج سال پیش بحث بیمه اتباع خارجی در سازمان تامین اجتماعی شروع شد و یک اداره کل به این نام شکل گرفت که مسئول بیمه کردن اتباع خارجی مشغول

مهاجران

ماجرای مهاجران

اضافی بر دوش دختر، از منابع مالی آن‌ها از ترس «خودم رنج می‌برم و کار نمی‌کنم» نیز رنج ببرند. خیلی پیر زندگی ادامه دهم.»

■ **آرزو، مرد ۵۱ ساله آذربایجان**

آرز پس از اقامتی چهار ساله جمهوری آذربایجان بازگرد آسبیزی می‌کرد. پس از پریشانی اعصاب و بی‌خوابی سلامت خود، تصمیم گرفت که به کارش برسد. اما هنوز اقدامی برای شغل خود نکرده و به همان اندازه از کیفیت زندگی رنج می‌برد. اما هنوز اقدامی برای شغل خود نکرده و به همان اندازه از کیفیت زندگی رنج می‌برد. اما هنوز اقدامی برای شغل خود نکرده و به همان اندازه از کیفیت زندگی رنج می‌برد.

■ **سوزانا، زن ۶۵ ساله، بازگشت از بلژیک به ارمنستان**

سوزانا که برای درمان دیابت، مشکل قلبی و فشارخونش یک سال در بلژیک اقامت داشت، تصمیم به ترک این کشور گرفت. او خانه و دارایی‌اش در بلژیک را فروخت. از خدمات درمانی بلژیک راضی بود، اما دل‌تنگ خانواده‌اش شده بود. پس از بازگشت، با خانواده دخترش زندگی می‌کرد، اما مشکلات قلبی و فشارخونش تشدید شد. در یک ماه اول بازگشتش، همچنان داروهای بلژیکی را مصرف و احساس می‌کرد حالش نسبتا خوب است، اما پس از آن وضعیت رو به وخامت رفت. خود او، تغییر داروها و خدمات پزشکی را علت این امر می‌دانست. به خاطر ناتوانی پزشکان ارمنی در خواندن نسخه پزشکان بلژیکی، نسخه‌های سابقش دیگر به کارش نمی‌آمدند. سوزانا برای کارهای روزمره‌اش به دختر و نوه‌هایش وابسته است. مقرری اندکی می‌گیرد که برای تامین نیازهایش ناچیز است، به‌طوری که باید بین خرید غذا و دارو، یکی را انتخاب کند. هزینه‌های درمانش را دخترش تامین می‌کند. او از یک سو احساس راحتی می‌کند که دخترش مراقب اوست، اما در عین حال احساس می‌کند باری

